

## آیا دعا فکر خدا را عوض می کند؟

نویسنده: آر. سی. اسپرول

آیا دعا تفاوتی را ایجاد می کند؟ آیا واقعا چیزی را عوض می کند؟ یکبار شخصی این را از من پرسید، فقط کمی متفاوت تر از این: «آیا دعا فکر خدا را عوض می کند؟» پاسخ من موجی از اعتراضات را به همراه آورد. من به سادگی گفته بودم: «نه.» حالا اگر آن شخص از من می پرسید، «آیا دعا چیزی را عوض می کند؟» من پاسخ می دادم، «البته!»

کتاب مقدس می گوید که خدا از ازل بر اموری فرمان داده است. این امور تحقیقا به انجام خواهند رسید. اگر شما قصد می کردید که بطور شخصی دعا کنید یا من با دیگران جمع می شدم تا دعا کنم یا اگر همه مسیحیان دنیا با همدیگر دعا می کردند، آنچه را که خود خدا در سر مخفیانه ازلی خویش تصمیم گرفته تا انجام گردد را تغییر نمی داد. اگر دعا می کردیم برای اینکه عیسی برنگردد، او باز برمی گشت. چه بسا شما بپرسید، «مگر کتاب مقدس نمی گوید اگر دو یا سه نفر دور هم جمع شده و بر یک امر موافقت داشته باشند، آن را بدست خواهند آورد؟» بله، چنین می گوید، اما این بخش درباره نظم کلیسایی سخن می گوید، نه برای درخواست های دعا. بنابراین می بایست تمامی تعالیم بیان شده در خصوص دعا کردن را در کتاب مقدس در نظر داشته باشیم و نه فقط یک آیه مشخص جدا از دیگر آیات. ما باید تحت نمای کلی برداشت آیات کتاب مقدس با این موضوع روبرو شویم، از یک ریزخوانی ممانعت کنیم. مجددا، بسا شما بپرسید، «آیا نه اینکه گاه به گاه خدا رای خودش را عوض می کند؟» بله، یقینا در عهدعتیق چنین می گوید. کتاب یونس به ما می گوید که خدا از داوری که تصمیم گرفته بود بر مردم نینوا اجرا کند «توبه کرد.» (یونس ۳ : ۱۰، نسخه کینگ جیمز) در بکاربردن مفهوم توبه در اینجا، کتاب مقدس خدا را توصیف کرده که روح است، که به تعبیر الهی دانان، «دارای شکل انسانی» نامیده می شود. قطعا کتاب مقدس این را نمی گوید که خدا توبه کرد به همان مفهومی که ما توبه می کنیم؛ در غیر اینصورت، می توانستیم به درستی چنین برداشت کنیم که خدا گناهی مرتکب شده و خود او یک نجات دهنده نیاز دارد. آنچه که به طور واضح معنی می دهد این است که خدا تهدید داوری را از مردم برداشت. کلمه عبرانی «نحم» که در نسخه ی کینگ جیمز «توبه» ترجمه شده، به معنای «آسایش دادن» یا «آسان کردن» در این مورد خاص می باشد. خدا آسایش یافت و احساس سبکی یا راحتی کرد چون مردم از گناهانشان برگشته بودند، از اینرو فرمان داوری را که خود او صادر کرده بود، لغو کرد. وقتی خداوند شمشیر داوری خود را بر فراز سر مردم می چرخاند، و آنها توبه کرده سپس او داوری خود را بازمی دارد، آیا او حقیقتا فکر خودش را عوض کرده است؟ فکر خدا عوض نمی شود برای اینکه خدا عوض نمی شود. امور عوض می شوند، و آنها بر اساس اراده ی الهی او عوض می شوند،

وقتی آنها را بر طبق نیت و فعالیت‌های جانبی خود به انجام می‌رساند. دعا‌های قوم او یکی از آن انگیزه‌هایی است که او بکار گرفته تا بعضی از امور را در این جهان به انجام برساند. بنابر این اگر شما از من بپرسید آیا دعا چیزی را عوض می‌کند، پاسخ بدون شک و تردید من «بله!» است.

این غیر ممکن است که پی برد چقدر از امور تاریخ انسانی گویای حضور و دخالت خدا بوده و چقدر از آنها گویای کار و دخالت خدا بواسطه نمایندگان انسانی. نمونه مورد علاقه جان کلون در این خصوص کتاب ایوب بود. سابیان و کلدانیان الاغ‌ها و شترهای ایوب را گرفته بودند. چرا؟ برای اینکه شیطان قلب آنها را برانگیخته بود که چنین کنند. اما چرا؟ برای اینکه شیطان از خدا اجازه یافته بود تا وفاداری ایوب را آزمایش کند به هر طریقی که دلش می‌خواست، فقط اینکه جان ایوب را نگیرد. چرا خدا به چنین امری موافقت کرده بود؟ به سه دلیل: (۱) تا اتهامات شیطان را ساکت کند؛ (۲) خودش را ثابت کند؛ و (۳) از ایوب در برابر اتهامات شیطان دفاع کند. همه این دلایل کاملاً عدالت پسندیده خدا برای آنچه او انجام داد می‌باشند.

در قیاس با آن، انگیزه شیطان در برانگیختن آن دو گروه این بود که ایوب به خدا کفر بگوید- سراپا انگیزه و نیتی پلید و شوم. اما متوجه می‌شویم که شیطان برای به انجام رسانیدن نیت خود عملی خارق العاده انجام نداد. او نماینده انسانی را برگزید- سابیان و کلدانیان، که ذاتاً شریر بودند- برای دزدیدن حیوانات ایوب. سابیان و کلدانیان برای اعمال غارتگرانه و کشتارشان در رفتار خود معروف بودند. میل و اراده‌ی آنها دخیل قضیه بود، اما اجباری در آن نداشتند؛ نیت خدا بواسطه اعمال پلید آنها به کمال رسید. سابیان و کلدانیان در انتخاب خود آزاد بودند، اما برای آنها، همانطور برای ما، آزادی همواره به مفهوم آزادی در یک چهارچوب است. به هر حال، نباید آزادی انسان را با خودمختاری انسان ادغام کنیم. مابین نیت الهی و خودمختاری انسان همیشه یک اختلاف خواهد بود. اما هرگز اختلافی مابین نیت الهی و آزادی انسان نخواهد بود. کتاب مقدس می‌گوید که انسان آزاد است، اما او یک قانون خودمختار برای خود نیست.

در نظر بگیرید که سابیان و کلدانیان دعا می‌کردند که «ما را به وسوسه نیاور، اما از شریر رهایی ده.» من بطور قطعی اطمینان دارم که حیوانات ایوب باز هم دزدیده می‌شدند، اما نه بوسیله سابیان و کلدانیان. چه بسا خدا تصمیم می‌گرفت که به دعا‌های آنها پاسخ بدهد، اما او نمایندگانی دیگر برای دزدیدن حیوانات ایوب برمی‌گزید. در آزادی یک محدودیت وجود دارد، و مابین این محدودیت، دعا‌های ما می‌توانند اموری را تغییر دهند. کلام مقدس به ما می‌گوید که ایلپاء نبی، بواسطه دعا، از آمدن باران جلوگیری کرد. او با دانستن از قدرت الهی از دعا کردن دلسرد نشد.

هیچ انسانی به جز عیسی هرگز یک درک درست و کامل از اقتدار الهی نداشت. هیچ انسانی تا به این اندازه پرحرارت و کارساز دعا نکرده بود. حتی در باغ جتسیمانی، درخواست انتخاب کرد، اما به گونه‌ای متفاوت. وقتی درخواستش رد شد، او به اراده و خواست پدر تسلیم شد. انگیزه اصلی که دعا می‌کنیم حاکمیت خداست، زیرا باور داریم که خدا این را در قدرت خویش دارد که اموری را در راستای انگیزه و نیت خویش فرمان دهد. تمام حاکمیت و اقتدار به همین مفهوم است- فرمان دادن امور بر طبق نیت و خواست خدا. بنابراین، آیا دعا فکر خدا را عوض می‌کند؟ خیر. آیا دعا چیزی را عوض می‌کند؟ البته که بله. وعده کلام مقدس این است که «زیرا دعای مرد عادل در عمل قوت بسیار دارد.» (یعقوب ۵: ۱۶) مشکل در این است که ما تماما عادل نیستیم. آنچه که دعا عوض می‌کند اغلب دل شریر و سخت خود ماست. این به خودی خود دلیلی کافی برای دعا کردن است، حتی اگر هر دلیل دیگری درست یا صحیح نمی‌بود.

در موعظه‌ای بنام «خدای قادر متعال، شنونده دعا»، جاناتان ادواردز دو دلیل برای اینکه چرا خدا می‌خواهد که دعا کنیم ارائه می‌دهد:

از دید خدا، دعا یک سپاسگزاری آگاهانه برای اعلام وابسته بودن ما به او، برای جلال اوست. همانطور که او همه چیز را برای جلال خود خلق کرده است، از اینرو او بواسطه مخلوقات خود شکرگزاری شده و جلال داده می‌شود؛ و این شایسته است که او می‌بایست این را از آنانی که مطیع رحمت او هستند طالب باشد... یک سپاسگزاری شایسته وابسته بودن ما به قدرت و رحمت خداست که به آن نیاز داریم، و سربلندی شایسته‌ای که به آن خلق‌کننده‌ی اعظم و سرچشمه‌ی همه خوبی‌ها تقدیم می‌گردد.

از دید خودمان، خدا از ما خواسته است تا دعا کنیم... دعای پرحرارت به شیوه‌های متعددی به منظور مهیا کردن قلب‌هاست. به این سیاق حس نیاز ما را برمی‌انگیزد... و به دلیل آن فکر بیشتر مهبیای پاداش می‌گردد (رحمت او)... دعای ما به خدا چه بسا حسی شایسته را در ما برانگیزد و باور وابسته بودن ما به خدا برای رحمتی که طالب آن هستیم، و تمرینی شایسته ایمان در قناعت و کافی بودن خدا، از اینرو چه بسا آماده گردیم که نام او را جلال دهیم، چون رحمت او دریافت شد. (نوشته‌های جاناتان ادواردز (کارلایل،

هر آنچه خدا انجام می‌دهد ابتدا برای جلال خود اوست سپس برای منفعت ما. ما دعا می‌کنیم چون خدا به ما فرمان داده که دعا کنیم، زیرا او را جلال می‌دهد، و چون برای ما مفید است.

**دکتر آر. سی. اسپرول**، بنایانگذار سازمان خدمات لیگونیئر و بنا کننده‌ی کلیسا Saint Andrew's Chapel در شهر سنفورد، ایالت فلوریدا بوده است. ایشان اولین ریس دانشگاه Reformation Bible College بوده و بیش از صد جلد کتاب به رشته تحریر درآورده که می‌توان به قدوسیّت خدا (The Holiness of God) اشاره کرد.

این مقاله در وبسایت [سازمان خدمات لیگونیئر](#) منتشر شده است.